



معرفی و تحلیل باستان‌شناختی بناهای سلجوقی و ایلخانی استان زنجان

دکتر ارض ا... نجفی*، دکتر سید علی اصغر میرفتاح**

چکیده:

استان زنجان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی در طول دوران اسلامی یکی از مراکز مهم تحولات سیاسی اجتماعی و فرهنگی ایران بوده است، به ویژه در محدوده زمانی دوران سلجوقی و ایلخانی، بنابر دلایل زیادی این اهمیت دو برابر می‌شود. از دوره سلجوقی بقایای تعدادی قلاع و استحکامات دفاعی به همراه دو مسجد و یک مقبره در استان زنجان باقی مانده که مطالعه سیر تطور و تحول معماری منطقه را ممکن می‌سازد. همچنین از دوره ایلخانی علاوه بر بنای معظم و با شکوه گنبد سلطانیه بعنوان تجلی‌گاه معماری قرون میانی اسلامی ایران یک مقبره و بنای بی‌همتای معبد داش‌کسن، بقایای تعداد زیادی استقرارگاه‌های مسکونی و همچنین بقایای چهارتاقی‌هایی از منطقه طارم شناسایی شده است که نشانگر گسترش هنر معماری در دوره ایلخانی استان زنجان می‌باشد. قرون هفتم و هشتم هجری دوران اوج شکوفایی معماری منطقه بوده است. در این پژوهش دو سبک معماری رازی و آذری بر روی بناها مورد مطالعه قرار گرفته است. به هر حال نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که در دوره سلجوقی و ایلخانی استان زنجان یکی از مراکز ثقل فرهنگ و هنر ایران اسلامی به ویژه در زمینه معماری بوده است.

کلید واژگان: معماری سلجوقی، معماری ایلخانی، زنجان، گنبد سلطانیه، سجاس، قروه، داش‌کسن.

* دانش آموخته مقطع دکتری باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده و مسئول مکاتبات)

** استادیار عضو هیات علمی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور

مقدمه

سوال خواهد بود مغولان که ایامی در چادر زندگی می‌کردند حال با گذشت زمان کوتاه چگونه توانستند این چنین شاهکارهای معماری را از خود به یادگار بگذارند.

ایلخانان نیز یکی از سبک‌های درخشان معماری یعنی شیوه آذری را از خود به یادگار گذاشتند و با انتخاب شهرسلطانیه به عنوان پایتخت حکومت توانستند این سبک را به زیبایی خاصی در استان زنجان پیاده کنند و با ساخت گنبد رفیع سلطانیه کلیه ویژگی‌های خاص و برجسته از نظر مصالح، پلان، تکنیک ساخت و تزئینات در گنبد عظیم سلطانیه به نمایش گذاشته شد. ویرانگری‌های دوره تیموری باعث گردید بسیاری از آثار پابرجا تخریب و در زیر خاک مدفون گردد و در حال حاضر به غیر از چهار بنای پابرجا و تعدادی چهار تاقی که احتمالاً مربوط به دوره ایلخانی است بقیه تخریب و در زیر خاک دفن شده است قبل از تحلیل بناها نیاز هست ابتدا این بناها بطور خیلی مختصر معرفی سپس تحلیل آنها انجام گیرد.

بناهای سلجوقی در استان زنجان

مسجد جامع قروه:

این مسجد واقع در روستای قروه به عنوان یکی از روستاهای استان زنجان از جمله آبادی‌های دهستان حومه، از بخش مرکزی شهرستان ابهر است که در فاصله ۱۶ کیلومتری شرق ابهر و ۳۰ کیلومتری سه راهی زنجان همدان، تاکستان و در مسیر راه اصلی ارتباطی تهران تبریز واقع شده است و همانند بیشتر آبادی‌های این محدوده در کنار ابهر رود قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا به ۱۴۲۰ متر می‌باشد.

وجود چنین مسجدی با ساختاری زیبا و باشکوه می‌بایست نشانگر اهمیت روستای قروه در

سلجوقیان ترکان غز بودند که از ماورالنهر وارد ایران شده و توانستند پایه‌گذار امپراطوری بزرگ زمان خود شوند و آثار هنری ارزنده‌ای از خود به یادگاری باقی بگذارند. در این دوره حکومت‌های پراکنده محلی به حکومتی مستقل و قدرتمند تبدیل شده و بنیانگذار سبک‌ها خاص هنری می‌شوند. از جمله سبکی که در معماری این دوره رایج بود سبک و شیوه رازی است که این شیوه در قرن پنجم و ششم یعنی در دوره سلجوقیان به اوج ترقی و پیشرفت نائل می‌شود.

سلجوقیان قبل از وارد شدن به کشور ایران و تشکیل امپراطوری بزرگ از هنر معماری بهره چندانی نداشتند ولی پس از ورود به ایران از وزیران بزرگی در دربار استفاده کرده‌اند و از آنها در کشورداری و پرورش هنر بهره برده‌اند این نشانگر پذیرش هنر ایرانی است و غالب بودن هنر ایرانیان و غنی بودن آن نسبت به ترکان سلجوقی می‌باشد.

در استان زنجان از نظر کمی تعداد بناهای این دوره محدود است و نیاز به بررسی بیشتری باشد. در بررسی بقایای معماری این دوره تعدادی بناشناسایی شده است که معماری آنها شباهت به معماری قلاع دارد که در دوره سلجوقیان فرقه اسماعیلیه جهت اسکان و دورماندن از دست دشمنان اقدام به ساختن کرده بودند. با ورود مغولان به ایران ویرانی و تخریب دوباره آغاز گردید ولی دیری نپایید که مغولان ویرانگر نیز همانند سلاجقه جذب فرهنگ، تمدن و هنر ایرانیان گردیدند و پایه‌گذار یکی از سبک‌های هنر معماری شدند. ایلخانان مغول ابتدا مراغه و سپس تبریز بعد سلطانیه را به عنوان مرکز حکومت انتخاب کرده و توانستند در این شهرها بناهای عظیم و مجلل از خود به یادگار بگذارند جای

محراب مقبره محمدبن زیر در مرو مقایسه کرد. همچنین هیلن براند در ضمن تحقیقاتی متوجه شده که محراب دارای سه دوره تزئینی است بطوری که تزئینات هر دوره روی اندود گچی که تزئینات قبلی را پوشانده اجرا شده است (Hillenbrand, 1972: 67).

بررسی‌های کتیبه‌های موجود در مسجد جامع قروه نشان می‌دهد که مسجد در سال ۴۱۳ هجری ساخته شده و در سال ۵۷۵ هجری مورد مرمت قرار گرفته است (Weaver, 1970:185).

بقعه پیراحمد زهرنوش

از آثار ارزشمندی است که در انتهای خیابان ۱۷ شهریور ابره واقع شده است دارای طول جغرافیایی $34'' / 12' / 49$ و عرض جغرافیایی $11'' / 8' / 36$ و از سطح دریا ۱۵۱۶ متر ارتفاع دارد. از دو قسمت بقعه و حجرات ساخته شده است.

پلان بقعه بصورت مربع شکل و چهارطاقی است که با توجه به شکستگی‌هایی که در دیوارهای آن بوجود آورده‌اند آن را به ۲۰ وجهی تبدیل کرده‌اند. اندازه شکستگی‌ها بطور نامساوی ساخته شده است. ارتفاع این بنا از کف تا شروع گنبد $5/5$ متر می‌باشد و برای ساخت گنبد اضلاع چهارگانه داخلی بنا را با استفاده از فیلیوش به ۸ ضلعی تبدیل کرده و روی آن گنبد کوتاهی که شباهت زیادی به گنبد‌های مسجد جامع قروه و مسجد جامع سجاس دارد ساخته شده است. در اضلاع هشتگانه چهار ضلع فیلیوش و چهار ضلع دیگر پنجره‌هایی در ابعاد کوچک جهت تدارک روشنایی بنا ساخته شده است. ورودی بقعه از سطح اصلی بنا ۲۵ سانتی متر پائین قرار گرفته و این ارتفاع به دلیل ساخت سردابه بوده است. کف بقعه در حال حاضر با آجر مفروش می‌باشد و در

گذشته بوده باشد مورخان و جغرافی‌دانان اسلامی در گزارش‌های خود از شهر قدیم ابره توصیفاتی ارائه داده‌اند. اما متأسفانه اشاره به روستای قروه و مسجد زیبای آن نکرده‌اند، یکی از اولین نوشته‌ها توسط صادق صمیمی در سال ۱۳۳۸ منتشر شده است (مراجعه شود به مجله باستان‌شناسی، شماره ۳۰۴، صفحات ۳۷ و ۴۷).

بعد از صمیمی محققین و کارشناسان دیگری از جمله ویور^۱، هیلن براند^۲ و بلر^۳ مسجد قروه را از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند که در این میان گزارش هیلن براند در زمینه ساخت و تزئین بنا حائز اهمیت فراوانی است.

مسجد کنونی شامل یک گنبدخانه مرکزی آجری، پلان چهارطاقی، گنبد و یک شبستان ستوندار خشتی و در سمت شرق آن یک شبستان خشتی دیگر در جنوب مسجد و متصل به آن قرار دارد که امروزه هیچ ارتباط مستقیمی با مسجد جامع ندارد.

تالار گنبد با ابعاد $5/5 \times 5/5$ متر با پلان مربع و بصورت چهارطاقی طراحی و ساخته شده است این تالار از چهارپایه آجری تشکیل می‌شود که در قسمت فوقانی بوسیله طاق‌هایی به همدیگر متصل شده‌اند.

ناحیه انتقالی پلان مربع به دایره ابتدا شامل چهار فیلیوش بزرگ آجری است که روی تخته-های سه گوش قرار گرفته و ساقه گنبددار را به هشت ضلع تقسیم کرده است سپس یک قسمت شانزده ضلعی آجرکاری شده است که بر فراز آن یک گنبد نیم کره‌ای شبیه گنبد مسجد سجاس ساخته شده است (Blair, 1970:66).

هیلن براند معتقد است که فرم محراب با نمونه‌های آسیای مرکزی شباهت زیادی دارد و می‌توان با محراب مزار شیخ کبیر و

چهار طاقی ساخته شده است و جرزهای چهارگانه، سنگینی گنبد را به عهده دارند. بنای مسجد از آجر ساخته شده که ابعاد آجرها ۲۱×۵ سانتیمتر ساخته شده است، این بنا دارای گنبد بزرگی است که با کمک چهار فیلیوش و چهار طاق نما شکل پیدا کرده است. بر روی فیلیوش‌ها و همینطور طاق نماها دارای تزئینات هندسی با آجر می‌باشد. گنبد این مسجد یک پوششی است که با آجر بنا شده و تزئینات آن فقط نقش ستاره ایرانی است که از آجر پدیدار گردیده است.

ورودی در جرز شمالی قرار دارد و در جرزهای شرقی و غربی دو در شبیه ایوان موجود است. در قرینه محراب در جرزهای غربی و شرقی در بین در بزرگ تزئینات تشریفاتی مثل محراب انجام گرفته است. بطور کلی کتیبه‌ها و شیوه گچبری این مسجد با مساجد جامع اصفهان، قزوین و قروه قابل مقایسه است و این بنا متعلق به اوایل قرن پنجم می‌باشد. در محراب مسجد دو دوره تزئینی و گچبری قابل رویت است که شواهدی از نخستین دوره از زیر گچبری دوره قابل رویت است. در این مسجد تزئینات و یا تعمیراتی مربوط به ادوار بعد مخصوصاً دوره ایلخانی قابل بررسی می‌باشد (ثبوتی، ۱۳۶۵: ۷۶).

بنای کلیسا:

بنای کلیسا در شمال روستای کلیسا در بخش اورپاد، کنار جاده خاکی روستای کلیسا به قلعه ارزه خواران معروف است: طول جغرافیایی $۲۵^{\circ} ۱۲۲'$ شرقی و عرض جغرافیایی $۵۷^{\circ} ۱۵۴' ۳۶$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن از شمال به جنوب $۸/۲۰$ متر و شرق به غرب ۱۰ متر مربع و مساحت ۸۲ متر و بلندی از سطح دریا ۱۵۲۱ متر است این ساختمان دارای یک ورودی از جنوب بوده است.

داخل جرز شمال شرقی تاقچه‌ای ساخته شده که روبروی آن قبل از بازسازی ورودی اصلی بنا بوده که پس از مسدود کردن جهت تزئین طاقی در داخل کادر وجود آورده‌اند.

داخل بنا به صورت مربع می‌باشد که در هر ضلع آن یک ایوان کوچکی دیده می‌شود و در داخل ایوان‌های شرقی و غربی یک تاقچه تعبیه شده است (ثبوتی، ۱۳۶۵: ۱۹۰).

قبر پیر در مرکز این بقعه و در سردابه که پنج پله پایین‌تر از کف بنا قرار دارد واقع شده سردابه دارای دهلیزی به عرض ۸۰ سانتی‌متر و طول ۲ متر می‌باشد که سقف آن با طاق جناغی پوشیده شده است پس از دهلیز سردابه با پلان صلیب شکل ساخته شده که سقف آن نیز با طاق جناغی بسیار زیبا طرح و اجرا شده است و آنرا می‌توان با مقبره چلی اوغلی در سلطانیه مقایسه کرد (نجفی، ۱۳۷۶: ۸۰).

در مورد تاریخ این بنا با هیچ کتیبه و سنگ قبری که دلالت بر تاریخ احداث بنا بوده باشد مشاهده نشده است. با عنایت به معروفیت این بقعه به پیراحمد زهنوش و مطابقت آن به قول صاحب کتاب مناقب که می‌نویسد ابهر در قرن چهارم، چهارصد صوفی، زاهد، عابد و خرقه‌پوش و خرقه‌بخش داشته که در خانگه خودشان که فعلاً به پیراحمد زهنوش مشهور است بسر می‌برند که یکی از آنها قطب الدین احمد بود لذا این بقعه متعلق به مولانا قطب‌الدین ابهری (متوفی به سال ۵۷۷ هجری قمری) است (ثبوتی، ۱۳۶۵: ۱۹۳).

مسجد جامع سجاس:

مسجد جامع سجاس در روستای سجاس و در ۱۲ کیلومتری شمالغرب شهرستان خدابنده واقع شده فرم مسجد به سبک مساجد دوره سلجوقی و شامل بنایی چها گوش گنبددار است که به سبک

روی دیوارهای ضخیم آن در گذشته گنبدی قرار می‌گرفته که امروز کاملاً فرو ریخته است.

قلعه بهستان:

در روستای بهستان بخش ماهنشان حدود ۱ کیلومتری جنوب شرق روستای بهستان بر ساحل قزل اوزن است و طول جغرافیایی $۳۳'' / ۱۲'' / ۴۷^{\circ} / ۴۰'$ شرقی و عرض جغرافیایی $۳۳'' / ۳۹' / ۳۶^{\circ}$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن از شمال به جنوب ۱۳/۲۵ متر و شرق به غرب ۱۸ متر و بلندی آن از سطح دریا ۱۳۷۹ متر است. این محوطه یکی از زیباترین و جالب توجه‌ترین آثار معماری صخره‌ای استان زنجان محسوب می‌شود. بخش‌های مختلف این پدیده ماسه سنگی کنده‌کاری و فضای مختلف و متنوعی در آن ایجاد گردیده است.

قلعه قاطرچی دربند:

در روستای ساری آغل، بخش ماهنشان، حدود ۳ کیلومتری غرب روستای ساری آغل و حدود ۱ کیلومتری غرب جاده خاکی رود قزل اوزن است و در طول جغرافیایی $۱۱۸'' / ۳۷' / ۴۷^{\circ}$ شرقی و عرض جغرافیایی $۱۱۹'' / ۴۹' / ۳۶^{\circ}$ شمالی است ابعاد آن از شمال به جنوب $۱۰ / ۳۳$ ، شرق به غرب ۱۲۰ متر و بلندی آن از سطح دریا ۱۳۳۲ متر است. احتمالاً این مکان بعنوان یک پناهگاه تدافعی و قلعه نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

قلعه خمارخانه:

در روستای خورجمان بخش انگوران حدود ۱ کیلومتری شمال غرب روستای خورجمان، در کنار رودخانه می‌باشد و طول جغرافیایی $۳۳'' / ۲۵' / ۴۷^{\circ}$ شرقی و عرض جغرافیایی $۴۱'' / ۴۰' / ۳۶^{\circ}$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن شمال به جنوب ۶۰ متر

پوشش بنا گنبدی بوده که گنبد آن کاملاً فرو ریخته است. بر دیوار شمالی بنا از داخل یک طاق نمای سنگی دیده می‌شود و مصالح بکار رفته در بنا لاشه سنگ و آهک است.

قلعه بوی:

در روستای سه‌سند علیا، بخش ماهنشان، حدود ۷۰۰ متری جنوب روستای سه‌سند علیا است. طول جغرافیایی $۲۶'' / ۳۱' / ۴۷^{\circ}$ شرقی و عرض جغرافیایی $۱۷'' / ۴۶' / ۳۶^{\circ}$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن از شمال به جنوب ۳۰ متر، شرق به غرب ۹۰ متر بوده و حدود ۱۰۰ متر تا جاده خاکی اصلی سه‌سند فاصله دارد و مساحت ۲۷۰۰ متر که بلندی از سطح دریا ۲۰۴۳ متر است. این قلعه بصورت مستطیل ساخته شده که مصالح آن لاشه سنگ و ملات آهک است در گوشه‌های این قلعه بقایای برج به چشم می‌خورد، احتمالاً این محوطه به عنوان یک محل استقرار دائمی مورد استفاده قرار گرفته است.

کلیسا:

در روستای بیاملو، بخش ماهنشان، حدود ۲ کیلومتری جنوب روستای بیاملو در طول جغرافیایی $۴'' / ۳۹' / ۴۷^{\circ}$ شرقی و عرض جغرافیایی $۴'' / ۴۱' / ۳۶^{\circ}$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن از شمال به جنوب ۲۰۰ متر و شرق به غرب ۱۰۰ متر بوده و بلندی آن ۲۷ متر از بالاترین محل دارای سفال تا پایین‌ترین نقطه است. مساحت ۲۰۰۰ متر، بلندی از سطح دریا ۱۷۶۸ متر می‌باشد. آثار بجا مانده مشخص کننده یک بنای مستطیلی شکل است که با مصالح لاشه سنگ و ملات آهک ساخته شده دیوارهای بنا تا ارتفاع ۴ متر باقی مانده ابعاد بنای اصلی ۱۰×۲۰ متر است احتمالاً

سازهایی که در پشت آن از لاشه سنگ‌های کوچک و بزرگ ساخته شده‌اند علاوه بر آن اطافهایی برای سکونت نگهبانان و افراد قلعه ساخته شده که امروز فقط پی‌های بنا باقی مانده است.

قلعه مراش:

از روستای مراش، بخش انگوران، ضلع غربی روستا چسبیده به خانه‌های روستا و در طول جغرافیایی $47^{\circ}33'/49''$ شرقی و عرض جغرافیایی $57^{\circ} / 32' / 36''$ شمالی است. ابعاد آن از شمال به جنوب ۱۱۲ متر، شرق به غرب ۵۰ متر می‌باشد. بلندی آن ۳۰ متر است و مساحت آن ۵۶۰۰ متر بوده و بلندی از سطح دریا ۱۶۳۳ متر می‌باشد. آثار معماری این قلعه شامل دیوارها و برج‌های تخریب شده است که با مصالح چینه و لاشه سنگ‌های کوچک و ملات آهک ساخته شده است این آثار شامل سه برج کوچک و دیوارهای بسیار ضخیم که تخریب شده است و از سمت شرق تا شمال کشیده شده است.

قلعه قواق:

در روستای قواق سفلی در بخش انگوران وسط خانه‌های روستا قرار دارد. در طول جغرافیایی $47^{\circ}35'/56''$ شرقی و عرض جغرافیایی $36^{\circ}26'/36''$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن از شمال به جنوب ۴۸ متر، شرق به غرب ۴۸ متر بوده و مساحت آن ۲۳۰۴ متر می‌باشد و بلندی از سطح دریا ۱۷۹۲ متر است. بنا به صورت مربع ساخته شده که مصالح بنا خشت و چینه و ملات گل است ارتفاع دیوارها در برخی از قسمتها به ۷ متر می‌رسد در چهارگوشه بناها برج مدور وجود دارد

و شرق به غرب ۲۰ متر و بلندی ۴۰ متر از زمینهای اطراف خود می‌باشد. مساحت ۱۲۰۰ متر و بلندی از سطح دریا ۲۱۵۰ متر است. امروز بقایای دیوارهای این قلعه بجا مانده است در گوشه‌های آن برج ساخته شده و در ورودی آن نیز از غرب می‌باشد. این مکان قلعه تدافعی کوچکی بوده که در دوره سلجوقی مورد استفاده قرار گرفته است.

قلعه کلتکه:

در روستای قره ناس و قوزلو، بخش انگوران شمال جاده خاکی است و در طول جغرافیایی $47^{\circ}26'/17''$ شرقی و عرض جغرافیایی $36^{\circ}41'/41''$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن از شمال به جنوب ۶۵ متر و شرق به غرب $142/15$ متر است. ارتفاع از سطح دریا ۱۱۵۲ متر می‌باشد. مصالح بکار رفته در این قلعه لاشه سنگ‌هایی بصورت خشک چین کار شده و احتمالاً حصار تدافعی محوطه بوده است دیوارهای این بنا بسیار ضخیم و پوشش سقف‌های آن با توجه به آثار بجا مانده بصورت گنبدی ساخته شده است.

بنای قلعه:

قلعه در روستای قلعه جوق، بخش انگوران، حدود ۳۰۰ متری غرب روستای قلعه جوق بر فراز ارتفاعات قرار دارد، طول جغرافیایی $47^{\circ}26'/58''$ شرقی و عرض جغرافیایی $36^{\circ}36'/39''$ شمالی می‌باشد و ابعاد آن از شمال به جنوب $75/30$ متر، شمال به غرب ۴۲ متر بوده که بلندی آن از سطح دریا ۲۶۰۲ متر می‌باشد. آثار معماری عبارت از یک دیوار سنگی از سنگ‌های تراشیده شده منظم که در چند ردیف روی هم قرار گرفته و ساخت و

دارد که سقف آنها قوسی شکل است و ورودی بنا دقیقاً مشخص نیست.

که با مصالح خشت و چینه و در دو طبقه ساخته شده است.

گورقلعه:

در روستای تازه کند، بخش اورباد، حدود ۵۰۰ متری جنوب غرب روستای قلعه جوق برفراز ارتفاعات قرار دارد در طول جغرافیایی $47^{\circ}48'15''$ شرقی و عرض جغرافیایی $36^{\circ}48'15''$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن از شمال به جنوب ۱۵۰ متر و شرق به غرب ۲۲۰ متر و بلندی آن نیز ۲۵ متر است مساحت ۲۲۰۰ متر و بلندی از سطح دریا ۲۱۲۶ متر می‌باشد. این قلعه دارای تعدادی اتاق و سالن اجتماعات است که در اطراف آن برج‌هایی بصورت مدور با مصالح خشت و چینه ساخته شده است پوشش سقف‌ها بصورت مسطح بوده است. بعلت کاوش غیر مجاز اکثر آنها تخریب شده است.

گورقلعه سی (قلعه ارزه خوران):

در روستای قلعه، بخش اورباد، حدود ۵۰۰ متری شمال قلعه ارزه خوران، بر کرانه جنوبی رودخانه قلعه جای قرار گرفته است، در طول جغرافیایی $47^{\circ}19'20''$ شرقی و عرض جغرافیایی $36^{\circ}25'55''$ شمالی است. ابعاد آن از شمال به جنوب ۹۰ متر و شرق به غرب ۲۷۰ متر، بلندی آن ۳۰ متر می‌باشد. مساحت ۲۴۳۰۰ متر و بلندی از سطح دریا ۱۶۸۸ متر است. این قلعه دارای اتاقهای مربع و مستطیل شکل است و اطراف این اتاقها حصارهای ضخیم که در گوشه و اطراف آنها برج‌های مدور و مربع شکل ساخته شده است در قسمت‌هایی از این قلعه تونل‌هایی بر راه‌های دسترسی مخفی ساخته شده است.

قلعه دلیک ایوان:

در روستای ایالو، بخش ماهنشان، شمال شرق روستا در مجاورت خانه‌ها است در طول جغرافیایی $47^{\circ}41'14''$ شرقی و عرض جغرافیایی $36^{\circ}52'41''$ شمالی می‌باشد. ابعاد آن از شمال به جنوب ۱۵ متر، شرق به غرب ۱۰۰ متر و بلندی آن ۲۶ متر، مساحت ۱۵۰۰ متر و بلندی از سطح دریا ۱۶۳۲ متر می‌باشد. این آثار با مصالح لاشه سنگ و ملات آهک ساخته شده است. شامل چند دیوار پراکنده و یک برج کوچک است که تا اندازه زیادی تخریب شده، آثار معماری موجود در این محوطه هم به جهت استحکامات تدافعی و هم جهت بوجود آوردن فضاهای مختلف دارای دیوارهای ضخیم و قطور بوده است.

قلعه کلیسا:

در بخش اورباد ۵۰۰ متری جنوب روستای لهجبین، در امتداد ارتفاعات جنوبی روستا است در طول جغرافیایی $47^{\circ}23'23''$ شرقی و عرض جغرافیایی $36^{\circ}50'30''$ شمالی می‌باشد، ابعاد آن از شمال به جنوب ۲۳۰ متر و غرب به شرق ۲۵۰ متر می‌باشد. بلندی آن ۷ متر تا زمین‌های کشاورزی شمالی محوطه است. مساحت ۲۷۵۰۰ متر و بلندی از سطح دریا ۲۰۴۰ متر می‌باشد. با توجه به دیوارهای ضخیم این قلعه نشان از پوشش سقف گنبدی است که در حال حاضر تخریب شده قسمت اصلی قلعه که باقی مانده با ابعاد 10×10 است و با مصالح لاشه سنگ و ملات آهک می‌باشد در تعدادی از دیوارها طاقچه‌های کوچکی وجود

بناهای دوره ایلخانی استان زنجان

گنبد سلطانیه:

گنبد سلطانیه در طول جغرافیایی $48^{\circ}47'45''$ و عرض جغرافیایی $36^{\circ}3'26''$ و ۱۸۱۴ متر ارتفاع از سطح دریا دارد. بنای گنبد سلطانیه در سال ۷۰۲ هـ بر اساس طرح آرامگاه غازان خان که او نیز از آرامگاه سلطان سنجر سلجوقی در مرو واقع شده الهام گرفته آغاز گردید (پیروسن، ۱۳۵۷: ۱۹ و ۲۰).

در دوره سلجوقی معماری مقبره عموما بر یک پلان چهارگوشی استوار بوده و انواع گنبد را بر پایه چهارضلعی با تقسیم‌های هندسی پیچیده و بی‌شماری می‌شاندند طوریکه در هد ایلخانیان مقابر گنبدی شکل گسترده و عظمت فوق‌العاده‌ای پیدا کردند و نمونه‌های بی‌شماری در اکناف ایران ساخته شد ولی یکی از بهترین و بارزترین شاهد نمونه‌های این مقابر گنبد سلطانیه است که به آرامگاه و مسجد محمد خدابنده مشهور است. کشیدگی و عظمت در ارتفاع و یا به قول منتقدین هنری قرون وسطی "ورتیکالیز" در بنای مذکور فوق تصور است.

پلان این بنا ۸ ضلعی، ضلع داخل آن نزدیک ۲۶ متر و فاصله وجه خارجی آن ۴۲ متر بر روی این ۸ وجهی تا کف زمین ۴۸ متر ارتفاع دارد (پیروسن، ۱۳۵۷: ۵ و ۶).

در مورد پلان این بنا که ۸ وجهی می‌باشد تا بحال نظریات متعددی داده شده است، عده‌ای انتخاب چند وجهی بنا به دلیلی ایستایی و استحکام بنا دانسته‌اند و برخی دیگر کوشیده‌اند از آن نشانه مذهبی مانند ۱۲ و ۷ بدست دهند.

پلان داخل بنا نیز هشت ضلعی منظم و طول هر ضلع آن $10/30$ متر، ضخامت بنا حدود $40/7$ متر است. بر هر وجه داخلی یک ایوان قرار گرفته و بین هر دو ایوان جرزی واقع است بدین طریق بنا

از ۸ جرز قطور تشکیل شده که از کف زمین تا ارتفاع گنبد (شکنج) امتداد دارد و در آنجا بوسیله قوسهای ایوان‌ها بهم متصل می‌گردند این جرزها با آجر ساخته شده است.

یکی از خصوصیات اصلی و منحصر به فرد این گنبد دو جداره بودن آن است و نمی‌توان در دنیا بنایی با این خصوصیات قبل از بنای سلطانیه پیدا کرد از این رو اهمیت بنا در دنیا شایان ذکر است. فاصله بین دو جداره ۶۰ سانتی‌متر و ضخامت گنبد $1/40$ متر می‌باشد. فرقی که گنبد سلطانیه با سایر گنبدهای دوپوسته جهان دارد این است که دوپوسته این گنبد با هم موازیند. اما ناگفته نماند که بعضی از جمله آقایان پوپ و گذار گنبد سلطانیه را دوپوسته نمی‌دانند (پیروسن، ۱۳۵۷: ۶).

اگر جایگاه گنبد سلطانیه را در میان معماری دنیا جستجو و از نظر اندازه مقایسه نمائیم به این نتیجه می‌رسیم این گنبد فقط کمی از ابعاد گنبد بزرگ مسجد ایاصوفیه و گنبد سانتا ماریا دلفیوره کوچکتر است.

تزئینات این بنا در دو دوره انجام گرفته دوره اول زمانیکه سلطان محمد مذهب شیعه داشته که اوج هنر کاشیکاری در این زمان دیده می‌شود پس از تغییر مذهب به تسنن، تزئینات گچی و نقاشی روی کاشیکاری دوره قبل را می‌گیرد شیوه تزئینات کاشی گنبد سلطانیه شامل کاشیکاری با فرمهای شش گوش، کاشیکاری معرق، تزئین کاشی و آجر، تزئین کاشی و آجر با مهر از گل پخته، کاشیکاری به شیوه هفت رنگ و کاشیکاری طلائی برجسته بوده است و شیوه‌های گچکاری شامل کشیدن یک قشر گچ روی آجرها و کاشیکاری‌ها، تویپهای ته آجری، برجسته‌کاری و گچکاری نیم برجسته و ایجاد حاشیه‌های تزئینی، گچکاری وصله‌ای، تزئین گچی توپر و توخالی و

تزئینات پرکار و بسیار مستحکم و با گنبدی زیبا ساخته شده بنای خانقاه با مصالح عمده سنگ ساخته شده که کمی شتابزدگی در اجرای آن مفروض است و از نظر ارزش معماری بسیار پائین-تر از آرامگاه قرار دارد (مومنی، ۱۳۷۹: ۵۱).

به احتمال بسیار بنای خانقاه در قرن هشتم هجری (۷۳۳ هـ) مدت کوتاهی پس از آرامگاه و به دلیل بهره‌گیری از تقدس محل به آن افزوده شده است. شباهت‌های موجود میان بنای امامزاده جعفر اصفهان و هماهنگی زمانی این دو باعث به وجود آمدن این نظریه شده که گویا معماران آرامگاه چلی اوغلی پس از تکمیل بنا به اصفهان فرستاده شده‌اند و بنای امامزاده جعفر را بر پا کرده‌اند. تاریخ ساخت امامزاده جعفر بر اساس کتیبه به حدود ۷۲۵ هجری می‌رسد و بنابراین بیش از اضافه شدن خانقاه به مجموعه چلی اوغلی ساخته شده است (ثبوتی، ۱۳۶۹: ۱۰۹).

معبد صخره‌ای داش کسن:

این بنا طول جغرافیایی $48^{\circ}52'28''$ و عرض جغرافیایی $36^{\circ}19'45''$ و از سطح دریا ۲۰۴۱ متر ارتفاع دارد. در فاصله نزدیکی از دهکده ویر معبد داش کسن قرار دارد این معبد در وسعت عظیمی در دل کوه کنده شده است. معبد صخره-ای ویر از شهر باستانی سلطانیه ۱۷ کیلومتر فاصله دارد. در جداره‌های صخره‌ای و یکپارچه معبد نقش برجسته‌های متنوع حجاری کرده‌اند که کاملاً تحسین برانگیز است. برای پدید آوردن این معبد محوطه‌ای به مساحت ۶۱۴ متر مربع از سطح صخره را تراشیده و تا ارتفاع نامشخصی به پائین رسانیده‌اند. بریدن این مقدار کوه داش کسن یک کار خارق العاده‌ای است.

تزئینات گچی پیش ساخته مورد نظر بوده است. در این بنا علاوه بر کاشیکاری و گچبری از تزئینات چوب، فلز و سنگ نیز استفاده گردیده است.

سبک معماری این بنا به شیوه آذری بوده است که اوج شکوفایی این شیوه را در گنبد سلطانیه می‌توان مشاهده کرد آرامگاه سلطانیه تنها محل آموزش برای هنرمندان و صنعت‌کاران نبود بلکه آخرین مرحله تکامل سبک معماری مغول بشمار می‌آمد و همه میراث تاریخی دوره-های گذشته و همه جزئیات فنی که در شنب غازان و رشیدیه و سایر نقاط بکار رفته بود در این اثر به اوج خود رسید (ویلبر، ۱۳۵۶: ۲۷ و ۲۸).

مجموعه چلی اوغلی:

این بنا در طول جغرافیایی $48^{\circ}47'11''$ عرض جغرافیایی $36^{\circ}25'53''$ و ارتفاع ۱۸۰۸ متر از سطح دریا می‌باشد. این مجموعه در منطقه سلطانیه و در حدود پانصد متری جنوب غربی گنبد سلطانیه و در حدود ۸۵۰ متری شمال غربی آرامگاه ملاحسن کاشی واقع شده که در این منطقه این سه بنا یک محور فرهنگی را تشکیل می‌دهند (امینی، ۱۳۷۲: ۱۳).

این مجموعه شامل دو قسمت آرامگاه و خانقاه است که به طرز عجیبی با یکدیگر تفاوت دارند و شاید نتوان به جز شباهت‌هایی که در تزئینات سردر ورودی خانقاه به آرامگاه با تزئینات محراب آرامگاه دیده می‌شود، هیچ شباهت و ارتباط دیگری بین این دو را پیدا کرد. آرامگاه با ورودی خانقاه سه متر فاصله دارد و شکوه بصری تزئینات آجری سردر آرامگاه به دلیل نزدیکی به سردر خانقاه کاهش یافته است.

از نظر تکنیک ساخت نیز تفاوت‌های بیشتری نمایان است. درحالی که بنای آرامگاه آجری، با

در آبانماه ۱۳۵۲ خبری کوتاه با عنوان کشف آتشکده‌هایی از دوره ساسانی در منطقه فرمانداری کل زنجان در حوزه طارم در مجله هوخث به چاپ رسید که حاکی از این بود که سه آتشکده در روستای پیرچم و تشویر وجود دارد و تا حدودی نیز از گزند عوامل گوناگون برکنار مانده و از سوی وزارت فرهنگ و هنر وقت نیز اقداماتی در جهت حفظ و نگهداری آنها به عمل آمده است.

پیامد آن فردی به نام اشا خاکپور از آثار مورد نظر بازدید نموده و ضمن تأیید خبر مزبور نتایج مشاهدات و تحقیقات خویش را به همراه پلان چهارتاقی تشویر و بنای پیرچم در اسفندماه همان سال و در همان مجله به چاپ می‌رساند (خاکپور، ۱۳۵۲: ۴۴).

ظاهرا پس از درج این خبر آثار مزبور و دیگر آثار مشابه از جمله الزین، گیلوان و گیلان کشه به آتشکده موسوم و معروف شدند.

متأسفانه از همان آغاز تاکنون میراث فرهنگی و اداراتی که متولی آثار موردنظر بوده‌اند اقدامی در جهت مطالعه و تحقیق جدی آثار مورد نظر انجام نداده و به همان اظهار نظرهای اولیه مهر تأیید زدند. با توجه به بررسی‌هایی که بعمل آمده مشخص گردیده این بناها مربوط به دوران میانی اسلامی خصوصا ایلخانیان بوده است چهارتاقی‌های شناسائی شده همگی مربوط به طارم علیا بوده و در روستاهای الزین، تشویر، گیلانکشه، گیلوان واقع شده‌اند (برای مطالعه بیشتر رجوع شود به گزارش آقای محمدرضا باقریان نویدی در اداره میراث فرهنگی استان زنجان).

تجزیه و تحلیل:

استان زنجان منطقه‌ای است دارای سابقه فرهنگی طولانی که در این استان از دوره نوسنگی تا امروزه آثار بسیار ارزشمندی یافت شده ولی

به طوریکه از قرائن موجود برمی‌آید در بعضی جاها برش صخره‌ها حدود ۱۰ متر یا بیشتر انجام پذیرفته است. این اثر بوسیله دیوارسنگی حصر شده بود که امروزه ویرانه‌های آن با سنگ‌های حجاری بزرگ به چشم می‌خورد. در داخل محوطه آن و در دل جداره‌های سه‌گانه به تعداد سه چشمه طاق مشاهده می‌شود که طاق مرکزی در جداره جنوبی با طاق قوس‌دار کنده شده است و قوس آن از نوع "کلیل" است (شکاری، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

چشمه طاق‌های مذکور و یا حجره‌های مناره‌ای نیز از جداره‌های شرقی و غربی کنده شده است که هرکدام سقف‌هایشان از نوع "ازج" است. تعداد سه طاقچه محرابی شکل در جداره غربی دیده می‌شود که دقیقا در جداره شرقی نیز تکرار شده‌اند زیرا از ویژگی‌های بارز این اثر تقارن می‌باشد. داخل طاقچه‌ها عناصر مقرنس با اشکال هندسی به صورت برجسته حجاری شده‌اند.

در ضلع شرقی و غربی نقش ازدها در داخل کادر بصورت بسیار زیبا و ظریف حجاری شده است که نفوذ هنر آسیای شرقی را به معرض نمایش گذاشته‌اند. عناصر دیگر تزئینی این معبد نقش برجسته‌هایی به شکل گل و گیاه به صورت تغییر شکل داده شده حجاری شده‌اند.

این معبد یک صحن وسیع مستطیل شکل دارد. پلان معبد شباهت زیادی با پلان معابد بودائی خاوردور مخصوصا معابد چینی، هندی که همانند این معبد در صخره کنده شده‌اند دارد. با این همه رنگ و جلوه ایرانی آن را نمی‌توان انکار کرد که با پلان‌های چهار ایوانی دوران اسلامی ایران شباهت دارد.

چهارطاقی‌های طارم علیا:

تحلیل بناهای دوره سلجوقی استان زنجان چگونگی شیوه رازی و تاثیر آن بر بناهای دوره سلجوقی استان زنجان:

با آغاز قرن پنجم هجری قمری سلسله‌ای ترک‌نژاد به نام سلجوقیان سلسله‌های کوچک را یکی پس از دیگری منقرض و خود را به مرزهای ترکیه امروزی رساند. گروههایی از این طایفه وارد روم شرقی شده که بعداً موفق به انقراض حکومت روم شرقی شده و به نام سلاجقه آسیای صغیر معروف شدند و پس از آن کشور عثمانی به وجود آمد. سلجوقیان ایران بر سراسر کشور استیلا یافتند و ایجاد یک حکومت مقتدر مرکزی نمودند (جلالی، ۱۳۸۲: ۳۲).

همزمان با ایجاد جنبش‌های ملی علیه سلطه اعراب در ایران، هنر و معماری راه استقلال و خودگردانی را پیدا کرد. تمایل شدیدی به احیاء پاره‌ای از ویژگی‌های معماری پارسی به وجود آمد، معماری شبستانی گنبدخانه که در اواخر شیوه خراسانی معمول گردیده بود، فراگیرتر شد و سرعت بیشتری یافت و سپس در اوایل قرن پنجم با یک جهش بی‌سابقه به مساجد چهار ایوانی تبدیل گردید. مبنای مساجد چهار ایوانی از این زمان تا روزگار معاصر سنت غالب مساجد ایران شد. ساختن برج و مناره‌های بلند با استفاده از مصالح مستحکم و مرغوب در شهرها و خارج از شهرها به عنوان راهنما و بعداً آرامگاه و مقبره معمول گردید (حاتم، ۱۳۷۹: ۴۱).

تکمیل و توسعه شهرها، ایجاد کاروانسراها، ساختن مدارس و مساجد با استفاده از مصالح محکم و گستردگی در ابعاد به ویژه ارتفاع رواج یافت. در طراحی برجها و مناره‌ها از اشکال متنوعی (چهارگوش، دایره، چندضلعی ساده و

متاسفانه تاکنون استثنائاً بناهایی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند که شاخص بوده‌اند و کمتر به بناها و آثاری که جزء ردیفهای بعدی قرار می‌گیرد توجه شده است.

اهمیت دو دولت بزرگ و قدرتمند سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و هنری چون سلجوقیان و ایلخانیان بر هیچ مورخ، هنرشناس و باستان‌شناس پوشیده نیست. با روی کار آمدن دولت مقتدر سلجوقیان دولت غزنوی برچیده و دولت‌های ملوک-الطوایفی نتوانستند در مقابل سلجوقیان قد علم کرده و به تدریج از بین رفتند حکومت سلجوقیان آثار هنری بسیار با شکوهی را به یادگار گذاشتند که بنیانگذار شیوه و سبک هنری خاصی از خود شدند. در دوره‌های بعد ترقی و شکوه هنری که پایه‌گذار آن سلجوقیان بودند را می‌بینیم. هرچند در بررسی به عمل آمده از استان زنجان تعداد بناهای این دوره بسیار کم بوده، علت آنرا می‌توان دوری از مرکز حکومت، تخریب آثار، عدم توجه دولت مردان به این منطقه و... دانست.

در دوره ایلخانان مغول استان زنجان شدیداً مورد توجه قرار می‌گیرد و سلطانی به عنوان پایتخت انتخاب می‌گردد و از این دوره شاهکارهای معماری که امروز پا برجا باقی مانده و ندای عظمت، استواری، و صلابت را سر می‌دهد از هنرمندان این دوره به یادگار بجا می‌ماند. در بررسی انجام گرفته بناهایی با ارزش فرهنگی مربوط به این زمان که سبک و شیوه خاصی را دارا می‌باشد پابرجا است که این نشانگر استقلال هنری دوره ایلخانی است.

برای تحلیل و نحوه تاثیرگذاری سبکهای معماری رازی و آذری در بناهای استان زنجان لازم است ابتدا مختصات خاص آنها بررسی و بیان گردیده سپس چگونگی تاثیرگذاری آنها مطالعه شود.

- توجه به تزئینات آجری، معقلی و خطوط کوفی در معماری

با توجه به توضیحات اشاره شده بالا به نظر می‌رسد، شیوه معماری رازی را همانند شیوه معماری آذربایجانی که توضیحات آن در صفحات بعد خواهد آمد به دو دوره تقسیم کنیم. دوره اول قرون ۳ و ۴ و دوره دوم قرون ۵ و ۶ و اوج تکامل این دوره که در دوره دوم یعنی همزمان با حکومت سلجوقیان است را بررسی کنیم.

از ویژگیهای شیوه رازی وجود و تعدد بناها می‌باشد. این بناها شامل مسکونی، تجاری و خدماتی می‌باشد. به طور حتم در دوره سلجوقیان با حکومت مقتدر و اقتصاد پیشرفته‌ای که داشتند ساختن بناها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است اما به لحاظ نوع مصالح که بیشتر از خشت بوده به مرور زمان به دست طبیعت و یا انسان تخریب گردیده و ر حال حاضر در استان زنجان چنین بناهایی باقی نمانده است. اگر بررسی و حفاری کامل‌تر انجام گیرد می‌توان آثاری از معماری دوره سلجوقی را در نواحی فوق کشف و مطالعه کرد. نتیجه این بخش از بحث مشخص کننده این است که آثار دوره سلجوقی برعکس سایر مناطق خصوصاً مراکز مهم دوره فوق تعداد بناها محدود بوده و آثاری از مراکز تجاری، خدماتی و مسکونی به ندرت شناسایی گردید و این بند از ویژگی فوق را نمی‌توان به استان زنجان تعمیم داد.

با ورود دین مبین اسلام به کشور ایران ساختن محل عبادت و تجمع از ضروریات بود. منتهی ایرانیان بلافاصله ساختن مسجد را آغاز نکردند. اولاً نیاز به پلان جدید با توجه به امکانات منطقه‌ای بود که ایرانیان نداشتند. لذا آتشکده که دیگر مورد نیاز نبود بهترین محلی بود که قبل از اینکه شروع به ساختن مسجد جدید بکنند، مورد

چندضلعی مضرس) استفاده می‌شد. ساخت چفدها، تاقها و گنبدها به حد اعلا پیشرفت رسید. انواع چفدهای تیزه‌دار، تاقهای چهاربخشی، کلنبو (کلنبه، عرفچین) و ترکیب جای تاقهای آهنگ شیوه خراسانی را گرفت. گنبدها غالباً دو پوسته به صورت گسسته و پیوسته ساخته شد، شکل نمایشی و بیرونی خود آنها مانند مسجد جامع اردستان و ساوه از نوع سیوئی و در مسجد جامع اصفهان نوع خاکی می‌باشد (رسولی، ۱۳۸۴: ۵۵).

از قطعات ریز و درشت آجر در گره‌سازی، گل-اندازی (مقرنس، پتگانه) معقلی (آجر و کاشی) و خط کوفی با عبارت پردازیه‌های قرآنی استفاده می‌شد.

گره‌کاری‌های سطوح خارجی رباط شرف را خطوط شکسته و نمای خارجی برج‌های خرقان تزئین کرده است. در بر پا داشتن گنبد در گوشه‌ها از ترمبه (ترنبه) و شیوه تاق‌بندی استفاده شده است. یعنی با ساخت چهارترنبه و چهارتاق میان ترمبه‌ها مجموعاً هشت ضلع به دست می‌آید و روی ردیف هشت، تاقهای کوچکتر معادل ۱۶ تاق ساخته می‌شود. مانند مسجد زواره و گنبدخانه مسجد جامع اصفهان (حاتم، ۱۳۷۹: ۴۱).

ویژگی شیوه معماری رازی

- افزایش کمی بناها (مسکونی، تجاری، خدماتی و...)
- تبدیل مساجد شبستانی به چهار ایوانی
- الهام پذیری از شیوه معماری پارتی
- اجرا انواع فرمهای تاق و قوس و گنبدهای دو پوسته
- کثرت ساخت برجهای راهنما و مقابر
- توجه به استحکامات بنا و استفاده از مصالح مقاوم و سنگ

دوره مادها در تپه نوشیجان و دخمه گومیش دامغان انجام گرفته بود. لکن بکار گرفتن گنبد که وسعت قابل توجهی را در یک طرح مربع می‌پوشاند، برای اولین بار در جهان در شیوه معماری پارسی به کار برده شد.

تاقها، قوس‌ها و گنبدهای اجرا شده در ایران برخلاف مصر و برخی از اراضی بین‌النهرین غالباً به شکل تخم‌مرغی (هلوچین) بوده و از بکارگیری شکل دایره جداً خودداری می‌شده است.

گنبد ارمغانی که معماران پارسی به جهان عرضه داشته‌اند. نام گنبد و اصطلاحات مربوط به گنبدسازی در اغلب زبان‌های زنده جهان از ریشه فارسی گرفته شده است. مانند: کوپل، کویله، قبه، ترنیه، سکنج که ترمپ و اسکنج شده است.

توضیحات اشاره شده بالا تاثیر هنر گنبدسازی بناهای سلجوقی استان خصوصاً سه بنای پاجرا از شیوه گنبدسازی دوره پارسی می‌باشد. هر چند دوره دوم سبک رازی از شیوه پارسی اشکانی و ساسانی تاثیر بسیاری پذیرفته است. اما گنبد مهمترین قسمتی از بنا است که در دوره سلجوقی خصوصاً بناهای گنبددار مسجد جامع قروه، سجاس و مقبره پیراحمد زهرنوش از آن استفاده شده است. اگر به پلان‌های سه بنای مذکور دقت شود شکل آنها به چهار تاقیهای آتشکده دوره ساسانی شباهت دارد که بر بالای هر کدام از آنها گنبد کوتاه بدون ساقه سوار بر روی دیوارهای آنها می‌باشد. همانطوریکه قبلاً اشاره گردید مسجد جامع قروه بر روی بقایای آتشکده ساخته شده است که این آتشکده به صورت چهارتاقی بوده و مسلماً پوشش سقف این آتشکده گنبد بوده است که در دوره سلجوقی از گنبدهای آتشکده‌ها و بناهای گنبددار شیوه پارسی الگو برداری کرده‌اند.

در شیوه رازی اشاره گردیده است که گنبدها به صورت دو پوسته ساخته شده و در بناهایی

استفاده قرار دهند. با مسدود کردن سه طرف چهارتاقی تنها یک در ورودی باقی ماند که محل ورود و خروج بوده و با ایجاد مساجد شبستانی ایرانیان توانستند مرحله جدیدی را در ساختن طی کنند. اوج ترقی و پیشرفت مسجدسازی زمانی اتفاق می‌افتد که پلان چهار ایوانی به کار برده می‌شود و زمان آنرا می‌توان دوره سلجوقی دانست. نمونه‌های بسیار با ارزش آنرا در مسجد جامع اصفهان، گلپایگان، اردستان و..... می‌بینیم. در استان زنجان سه بنای پاجرا مسجد سجاس، مسجد قروه و مقبره پیراحمد زهرنوش که هر سه مربوط به قرن ششم می‌باشند به صورت شبستانی ساخته شده‌اند. با توجه به اینکه ساختن ایوان و شکل چهار ایوانی را از قرن چهارم مشاهده می‌کنیم، اما در این استان هنوز ساختن مساجد با حیاط وسیع و ایجاد رواق و ایوان را نمی‌بینیم. احتمالاً ساختن چهار ایوانی فقط برای مساجد و محل‌هایی ساخته می‌شود که مرکزیت دارند. روستای قروه و روستای سجاس و حتی شهر ابهر برای دولت سلجوقی دور افتاده بوده است و نیازی به سرمایه‌گذاری و جلب توجه برای دولتمردان سلجوقی نبوده است.

در بناهای موجود سعی شده بیشتر از پلان و شیوه معماری گذشته اقتباس کنند. حتی بررسی و گمانه زنی که در مسجد جامع قروه به عمل آمده، آثار چهارتاقی که مربوط به دوره ساسانیان است شناسائی شده و این خود بازگو کننده این است که مسجد در محلی ساخته شده است که قبلاً آن محل مقدس و مورد احترام بوده است. لذا بر همین اساس ساختن مسجد با شیوه شبستانی که ادامه روند شیوه پارسی است را پایه‌گذاری می‌کنند.

اگرچه در ایران از هزاره دوم قبل از میلاد اجرای قوس و تاق در پوشش معبد چغازنبیل و در

ایجاد اشکال و کتابت نمی‌باشد. نقوشی که با آجر ایجاد می‌کرده‌اند به صورت هندسی و معقلی بوده و کتیبه‌های که با این ماده نوشته می‌شد به خط کوفی است. بهترین نقوش تزئینی آجری را می‌توانیم در برجهای خرقان مشاهده کنیم که بیش از ۲۵ نوع تزئینات آجری در روی این دو بنا با ظرافت و زیبایی تمام هنرمند، شاهکاری از خود به یادگار گذاشته است. اما در نمای بیرونی بناهای دوره سلجوقی استان زنجان هنرمند از این ماده جهت تزئین به هیچ عنوان استفاده نکرده و روی بناها ساده و بدون پیرایه می‌باشد.

یکی از مشخصه‌های دوره سلجوقی تزئینات آجری آن است. در این دوره گچ و کاشی نیز جهت تزئینات کاربرد داشته. اما در اولویت دوم قرار می‌گرفته است. از آجر همانگونه که گفته شد به علت عدم انعطاف در نقوش هندسی - معقلی (بنائی) و خطوط کوفی استفاده می‌کرده‌اند. خط کوفی دارای زاویه می‌باشد و از آجر به عنوان بهترین وسیله خصوصاً در نمای خارجی به خاطر استحکام آن در تزئینات کتیبه و نگارش بهره برده‌اند. کتیبه معقلی، و کوفی مزین کننده قسمت‌های مختلف مسجد جامع قروه و سجاس است. از آن جمله کتیبه کوفی معقر، مشبک، موشح و ساده را در بنای قروه به چشم می‌خورد. ولی در بقیه بناهای دوره سلجوقی استان زنجان هیچگونه تزئینات آجری، معقلی و کوفی دیده نشده شاید به علت کم اهمیت بودن بناهای غیر مذهبی بوده است که آنها را بدون تزئین و ساده ساخته‌اند و شاید هم به علت تخریب و از بین رفتن تزئینات باشد که اثری از جلوه خطوط کوفی، معقلی دیده نشده است. باید اضافه کرد که در مسجد سجاس علاوه بر خط کوفی خطوط ثلث و نسخ نیز مزین کننده قسمت داخلی بنا می‌باشد و این نشان می‌دهد که کتابت صرفاً کوفی نبوده و

چون مسجد جامع اصفهان، اردستان، گلپایگان و... موید و نشان دهنده این مطلب است اما در سه بنای یاد شده استان زنجان هیچکدام به صورت دو پوسته ساخته نشده است. تاقهای استفاده شده بناهای سلجوقی استان زنجان به صورت جناغی و ضربی ساخته شده است. هرچند در دوره سلجوقی تاقهای مورد استفاده علاوه بر تاق ضربی، جناغی، تاق رومی، تاق چلیپه نیز مورد استفاده بوده است. از دیگر ویژگی‌های معماری دوره دوم (سلجوقی) استفاده از مصالح سنگ و آجر است که این مصالح همراه با ملات گچ نیم پز، ملات گیرچارو و ساروج است که از ملات اخیر در بنای مسجد جامع قروه بیشتر استفاده شده است. این ملات از ترکیب آهک، رس و خاکسترتهپه و در سازه‌هایی از بنا که رطوبت وجود داشت مصرف می‌شد، این ملات در صورت وجود رطوبت یکنواخت از استحکام جاودانی برخوردار می‌باشد. در بررسی سازه‌های مساجد قروه، سجاس و مقبره پیر احمد زهرنوش در پی بنا از سنگ تراشیده و در تمامی قسمت‌های آن از آجر استفاده کرده‌اند. بدنه، تاقها، قوسها، فیل‌پوشها و گنبد از این مصالح که مقاومت خود را در طول قدمت خود به اثبات رسانیده بهره گرفته‌اند. توضیح اینکه در بررسی به عمل آمده از بناهای جنوب غربی استان زنجان مثل بنای کلیسا، قلعه بومی، قلعه قاطرچی دربند، خمارخاله، قلعه تراش و... در همگی آنها از سنگ آهک به عنوان مصالح اصلی بنا استفاده کرده‌اند و آجر به ندرت کاربرد داشته است. علت آن می‌تواند وفور سنگ و لاشه سنگ در منطقه باشد. البته در دوره سلجوقیان قبل از آن آجر صرفاً به عنوان یکی از مصالح اصلی ساختمان در سازه‌ها استفاده نمی‌شده است. بلکه به عنوان یک عامل تزئینی و روی بنا خود نمائی می‌کرده است. آجر چون براحتی قابل انعطاف در

کوهستانی هر کدام طلب می‌کند که شیوه معماری آن منطقه به سبک خود ساخته شود. هر چند این را در سبک‌های مختلف معماری ایران مشاهده می‌کنیم. ولی در کل رعایت موقعیت جغرافیایی در ساختن بنا تاثیر بسیاری را به خود اختصاص داده است. دوره سلجوقی نیز هرچند برای خود روش و سیاقی را همراه داشته است. ولی این شیوه برای هر کدام از مناطق ایران رعایت اقلیم را کرده است. استان زنجان به علت کوهستانی و سردسیر بودن باعث شده در دوره سلجوقی بناها بر اساس مناطق کوهستانی ساخته شود یکی از شیوه‌های سبک معماری سلجوقی ساختن بنا و مسجد به صورت چهار ایوانی است که این ایوان‌ها در چهار سمت حیاط بزرگ مساجد ساخته می‌شود و در بررسی مشخص گردیده است که بیشتر در مناطقی که هوای گرم دارند به کاربرده شده است و در مناطقی که در طول مدت سال هوای سرد حاکم است، سعی کردند از حیاط کمتر استفاده کرده و بیشتر بناها به صورت مسقف ساخته شوند. شاید یکی از عللی که بناهای دوره سلجوقی استان زنجان فضای باز کمتر دارند و بیشتر به حالت شبستانی ساخته شده‌اند، همین عامل بوده باشد در نتیجه بناهای سلجوقی این منطقه در وهله اول تابع شرایط اقلیم ساخته شده است.

۲ - مصالح:

در بررسی و سیر تحول و تطور شیوه‌های هفتگانه معماری ایران (پارسی، پارتی اشکانی، ساسانی، خراسانی، رازی، آذربایجانی، اصفهانی و مختلط) مشخص گردیده صورت و ظاهر بناها متغیر بوده است و مصالحی که مورد استفاده بوده به صورت محلی و بومی بوده است. در بناهای استان زنجان مصالح بیشتر سنگ، خشت و آجر

از خطوط نسخ و ثلث در تزئینات داخلی که با گچ می‌باشد استفاده شده است.

ورود ترکان سلجوقی به استان زنجان بلافاصله موجب تغییر و تحول در معماری نگردید. بلکه با آشنائی از نحوه معماری ایران و منطقه توانست شیوه نوین را جایگزین نماید. اتفاقات سیاسی و تغییر و تحولات آن سریع به وقوع می‌پیوندد. اما تغییر شیوه و سبک‌های هنر هر چند به دنبال اتفاقات سیاسی و اجتماعی است ولی روند کندی از نظر زمانی دارد.

شیوه رازی که بحث آن آمد، مخصوصاً نیمه دوم آن (قرن ۵ و ۶ هجری) از شیوه‌هایی است که اوج ترقی و پیشرفت آنرا در زمان سلجوقیان می‌بینیم و سلجوقیان با ورود خود به منطقه در بناهایی که در منطقه زنجان شناسائی گردید. تاثیرات خود را به ارمغان آورد. بیشترین تاثیرات بر روی بناهای به جا مانده (مسجد سجاس، مسجد قروه و بقعه پیراحمد زهرنوش) است. در این دوره مهمترین اتفاقی که رخ داد ظهور فرقه اسماعیلیه است. نباید فراموش کرد با ورود این فرقه به استان زنجان معماری قلاع دژ شکل می‌گیرد که فرهنگ این نوع از بناها که شیوه تدافعی داشته‌اند پدیدار می‌گردد و مطالعه آنها در نوع خود بیانگر تاثیر حکومت سلجوقی بر معماری استان زنجان جالب توجه خواهد بود.

ویژگیهای معماری عصر سلجوقی منطقه دارای برخی از ویژگی‌های بومی - محلی نیز می‌باشد در این ارتباط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی:

کشور ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی شرایط خاصی را دارا می‌باشد و تنوع اقلیم باعث ایجاد تنوع در معماری و ساخت و ساز شده است. شرایط خاص مناطق کویری، مرطوب و

سلجوقی نیز از نظر پلان تحت تاثیر معماری بومی و گذشته خود می‌باشد.

۴ - تاثیر معماری دوره‌های گذشته بر معماری دوره سلجوقی:

استان زنجان، جز متصرفات ماد بوده و تا ظهور اسلام به دست عمال سلسله‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی اداره می‌شده است. در دوره اسلامی حکومت‌هایی چون امویان، عباسیان، علویان طبرستان، سامانیان، آل زیار، آل بویه (دیلمیان)، لنگریان طارم و غزنویان به طور مستقیم و غیرمستقیم حکومت کرده‌اند و هر کدام از آنها روش معماری خاص خود را داشته که همگی آن به نظر می‌رسد تحت تاثیر بناهای پیش از اسلام قرار گرفته بوده است. لذا بناهای بجا مانده از سلجوقیان در این استان تابع و پیرو روش گذشتگان نیز بوده است.

تحلیل بناهای دوره ایلخانی استان زنجان تاثیر شیوه آذری در بناهای دوره ایلخانی استان زنجان:

شیوه آذری دارای دو دوره است: دوره اول از زمان پایتخت شدن مراغه در زمان هلاکو و جانشینان او کمابیش در آذربایجان بودند. مثل غازان خان یا اولجایتو و دوره دوم آن از زمان تیمور و انتخاب پایتختی سمرقند است که در این مرحله معماران بزرگی چون قوام الدین شیرازی، زین‌العابدین شیرازی و غیاث‌الدین شیرازی به وسیله تیمور به خراسان بزرگ برده می‌شوند و در آنجا بناهای بسیار زیبایی به وسیله آنها ساخته می‌شود.

در دوره اول شیوه آذری که دوره آمیختگی با شیوه‌های قبلی و همینطور معماری محلی

کاربرد داشته است و در سفت کاری بنا این سه ماده که به راحتی و ارزانی در دسترس بوده استفاده کرده‌اند. البته در تزئینات بنا کاشی به ندرت ولی از گچ و آجر که مهمترین ماده تزئینی دوره سلجوقی است استفاده کرده‌اند. خصوصاً در دو مسجد معروف این استان مسجد جامع سجاس و مسجد جامع قروه که ماده گچ را برای تزئینات کتیبه‌ها و نقوش هندسی و موتیف‌های زیبا به کار برده‌اند. لذا مصالح و سازه‌ها به صورت بومی و محلی بوده که در هر دوره آنرا رعایت کرده‌اند.

۳ - پلان:

از مطالعه پلان‌های به جای مانده از بناهای تاریخی دوره سلجوقی متأسفانه از بناهای ساده معماری و ساختمان‌های مردم عادی اطلاعات کافی که در حال حاضر باقی مانده باشد، چیز قابل مطالعه‌ای به دست نیامده است. علت آنرا می‌توان به خاطر مصالح آن دانست که بیشتر از خشت استفاده کرده بودند و به مرور زمان از بین رفته است. در دوره سلجوقی نیز بناهای عادی پیروی از سنت‌های گذشته خود کرده‌اند و تغییرات اساسی در آنها به وجود نیامده است. اما در بناهای به جای مانده مثل مساجد و مقابر و قلاع تعدادی بنای ساده مشخص گردیده که در دوره قبل از سلاجقه در این استان با پلان‌هایی بیشتر به صورت چهارتاقی ساخته شده‌اند که تبدیل به شبستان‌ها شده است و سعی کرده‌اند در کنار شبستان‌ها یا حیاط ساخته شود. مثل مسجد سجاس و یا اینکه در کنار مقبره الحاقاتی به آن بیفزایند مثل مقبره پیراحمد زهرنوش که اتاقهایی به بنای اصلی آن اضافه کرده‌اند.

اما آنچه که بیانگر و مشخص کننده است در دوره سلجوقی تحول عمده‌ای در پلان‌های قبل از خود به وجود نیاورده است. بنابراین معماری دوره

شیوه آذری ادامه شیوه رازی است. مصالح، تزئینات، فرم بناها گویای این مطلب است. اما به طور حتم شیوه آذری نسبت به شیوه گذشته دارای اصلاحاتی می‌باشد. گنبد سلطانیه اوج بناسازی و به کارگیری شیوه آذری در دوره اول سبک آذری است. تغییرات عمده آن را می‌توان در پلان این بنا که به صورت هشت ضلعی، ارتفاع زیاد بنا، ایوانهای رفیع، تزئینات کاشی، نقاشی، گچ و نقوش به کار برده شده در آن را مشاهده کرد.

در دوره اول این شیوه تعدادی از بناها علاوه بر ویژگی‌های محلی از نظر اندازه و ابعاد نیز نسبت به شیوه‌های قبل، بعد از اسلام بزرگتر ساخته شده است. در ارگ علیشاه دهانه آن از ایوان مدائن بزرگتر است. مقبره الجایتو نیز با دهانه‌ای در حدود ۲۵/۵ متر در زمان خود بزرگترین گنبد و بنای اسلامی شناخته می‌شد (به غیر از مسجد ایاصوفیه که در ابتدا کلیسا بوده است) (حاتم، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

آذربایجان است، از کلید آذری که در آذربایجان رایج بود استفاده شده است. چفت پنج او هفت به جای اصول ترسیمی درست آن با نسبت‌های پنج و هفت ساخته می‌شود که این خود باعث تغییرات شکلی در آن شده است. درگاه اصلی گنبد سلطانیه و درگاه اصلی مسجد جامع یزد به این صورت هستند. این نقیصه بعدها توسط قوام الدین و زین العابدین شیرازی اصلاح می‌شود.

در دوره اول این شیوه تعدادی از بناها علاوه بر ویژگی‌های محلی از نظر اندازه و ابعاد نیز نسبت به شیوه‌های قبل، بعد از اسلام بزرگتر ساخته شده است. در ارگ علیشاه دهانه آن از ایوان مدائن بزرگتر است. مقبره الجایتو نیز با دهانه‌ای در حدود ۲۵/۵ متر در زمان خود بزرگترین گنبد و بنای اسلامی شناخته می‌شد (به غیر از مسجد ایاصوفیه که در ابتدا کلیسا بوده است) (حاتم، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

ویژگی‌های شیوه معماری دوره اول آذری:

آنچه امروز از گنبد سلطانیه و تعدادی از بناهای دوره ایلخانی که در استان زنجان به یادگار باقی مانده است، گویای عظمت آنها در دوران خود بودند. این عظمت بیشتر به لحاظ تزئینات آنها در نماسازی بوده است. یکی از این تزئینات که در گنبد سلطانیه بیشتر قابل رویت است ترکیب کاشی آبی و آجر نخودی رنگ است. به طور کلی تزئینات کاشی در دوره اول رایج و متداول شد که این ترکیب مزین کننده قسمت‌های مختلف بنا از جمله داخل ایوانها بوده است. عمده‌ترین اشکالی که توانسته‌اند با این نوع تزئینات نما را آرایش بکنند، نقوش هندسی و کتیبه است. کلمات چون سبحان الله، ظل السلطان و..... می‌باشد.

۱- ادامه شیوه رازی با انجام اصلاحاتی در طراحی و سازه بنا

۲- مقیاس‌ها گسترده‌تر، پلان‌ها متنوع‌تر و کاربردها بیشتر

۳- در نماسازی عمدتاً از ترکیب درهم گره استفاده می‌شد (کاشی آبی و آجر نخودی رنگ)

۴- استفاده فراوان از تزئینات گچبری شده، سفالینه در نمای داخلی و خارجی

۵- ابداع کاشی هفت رنگ و زرین فام

۶- قرار دادن آجر یا سفالینه در بندهای عمودی و آجری بنا

برای تجزیه و تحلیل بیشتر ویژگی‌های دوره اول سبک آذری را در استان زنجان طرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این دوره ابداع گردید که در بعضی از قسمت‌های گنبد سلطانیه از شیوه کاشی‌کاری هفت رنگ استفاده کرده‌اند که این نوع کاشیکاری بیشتر کتیبه‌ها که آیات قرآن را با خط سفید در متن لاجوردی و یا آبی نوشته‌اند و یا به صورت نوارهای تزئینی به کار برده‌اند.

تحولات سیاسی و اجتماعی ناشی از ورود مغول به منطقه، علی‌الخصوص پایتختی سلطانیه موجب تحولات و تغییرات عمده‌ای در معماری منطقه گردیده است.

مغولها نیز همانند سلجوقیان قبل از ورود به ایران چادر نشین بوده و هیچگونه آشنائی با معماری پیشرفته ایرانی نداشتند. پس از ورود به ایران با این هنر آشنا شده و علاقمند به ترویج و پیشرفت آن شدند. ایلخانیان با کمک گرفتن از وزیران مقتدر و هنر دوست که در راه آبادانی تلاش و کوشش نمودند، بهره بسیاری جستند ایلخانان پیرو و دنباله رو معماری گذشته خود یعنی دوره سلجوقیان بودند. اما توانستند سبک و شیوه دوره اول آذری را بنیان بگذارند و تحولات عمیقی در معماری ایجاد کنند.

با آغاز حکومت ارغون چهارمین ایلخان مغول به منطقه زنجان توجه خاصی شد. ایشان تصمیم می‌گیرند که شهری در این منطقه بسازد تا پایتخت را به آن منتقل نماید که به علت فوت نتوانستند این هدف را به مرحله اجرای کامل برسانند. لذا فرزند او سلطان محمد اولجایتو که بعد از مرگ برادرش غازان خان به سلطنت رسید، مصمم شد که شهری را که ارغون در محل سلطانیه بنا نهاد و موفق به اتمام آن نشده بود، وسعت داده و نسبت به اتمام آن اقدام کند. به همین جهت بنای آنرا در مدت ده سال به انجام رساند و شروع به ساخت عمارت‌ها، مدارس،

گنبد رفیع سلطانیه، موزه و محل هنرنمایی هنرمندان دوره اول سبک آذری می‌باشد. به طوریکه انواع تزئینات دوره فوق را می‌توان در روی دیوارهای عظیم آن مشاهده نمود. گچ ماده‌ای است که از زمانی که بشر به قابلیت آن پی برده، همواره در مصالح سفت‌کاری و تزئیناتی از آن بهره‌مند شده است. با توجه به اینکه این ماده تزئینی در مقابل رطوبت و سردی و گرمی هوا طاقت مقاومت ندارد. در اکثر مواقع آن را در داخل بنا و دور از رطوبت به کار برده‌اند. این ماده داخل و قسمتی از خارج بنای گنبد سلطانیه را مزین کرده. خصوصاً در دوره دوم پس از تغییر مذهب سلطان محمد اولجایتو (از شیعه به سنی) در این دوره روی کاشی با گچ پوشانده می‌شود و تزئینات و نقاشی روی آن در اوج زیبایی انجام می‌گیرد.

در مرحله اول تزئینات این دوره سفالینه‌ها که قبل از پخت و نقوش بسیار ظریف روی آن کنده و پس از حرارت تبدیل به یک ماده سخت گردیده و در میان کاشی آبی قرار گرفته، زیبایی خاصی به قسمت داخلی بنا بخشیده است که کاملاً نقوش آنها هندسی، گیاهی و کتیبه می‌باشد. این نوع تزئین در داخل ایوان و جرز دیوارهای داخل گنبد قابل مشاهده می‌باشد.

با آغاز قرن چهارم هجری در تزئینات سفال از شیوه‌ای بنام زرین فام استفاده گردیده است. این سفالینه‌ها فوق‌العاده شفاف بودند. ادامه آن در دوره بعد رواج پیدا کرد که نه تنها در سفالینه‌ها بلکه همان نقش‌ها، رنگ‌ها را در روی گل پخته می‌بینیم که در دوره ایلخانی در گنبد سلطانیه به کار برده شده است. خصوصاً در تربت خانه گنبد که در حال حاضر اثری از آنها در تزئینات بنا نیست و سراغ آنها را می‌توان در موزه‌ها جستجو کرد. علاوه بر کاشی زرین فام کاشی هفت رنگ نیز

نظام حکومتی در دوره سلجوقی غیر متمرکز ولی در دوره ایلخانی با توجه به انتخاب استان زنجان به عنوان پایتخت (سلطانیه) کاملاً متمرکز و مرکز ثقل قدرت ایلخانی در دوره ارغون، اولجایتو و ابوسعید سلطانیه می‌گردد. نظام اقتصادی در دوره سلجوقیان در حال رشد است خصوصاً منطقه اشاره شده که به دلیل دوری از مرکز حکومت کمتر به آن توجه شده ولی در دوره ایلخانی اقتصاد منطقه به دلیل توجه سران و حکمرانان حکومت بسیار قوی و پر رونق می‌شود. نظام مذهبی حاکم بر استان زنجان در دوره سلجوقیان و ایلخانیان حاکمیت دین اسلام است در دوره سلجوقیان مذهب سنی و در دوره ایلخانی شیعه نیز گسترش پیدا می‌کند. در هر دوره افزایش کمی بناها و ساخت و ساز وجود دارد. ولی در دوره ایلخانی ساخت بناهایی چون مسجد، مقبره، بازار، حمام، کتابخانه، دارالشفاء و بناهای عام المنفعه گسترش زیادی پیدا می‌کند. هرچند آثار به جا مانده و تخریب نشده از دوره ایلخانی در حال حاضر کم می‌باشد. علت آنرا نیز می‌توان اهمیت این منطقه دانست که بعد از دوره ایلخانی حکومت‌هایی چون تیموری به منطقه حمله کرده و بسیاری از آثار این دوره را از بین برده‌اند. اما کاوش‌های باستان‌شناسی و بررسی‌های انجام گرفته بیانگر این است که استان زنجان در دوره ایلخانیان به مراتب بیشتر بنا ساخته شده و آبادتر بوده است.

مساجد به جا مانده در استان زنجان از دوره سلجوقیان مساجدی هستند که شبستان دارند و بدون حیاط و ایوان می‌باشند (مسجد سجاس، مسجد قروه) و پلان چهار ایوانی هنوز در منطقه جا نیفتاده است. اما در دوره ایلخانی با پلان ایوان اجرا می‌گردد. هر چند بنای سالمی که نشان دهد

مساجد، حمام‌ها و بازارها نمود. اولجایتو آنچنان در آبادانی و ساخت و ساز شهر کوشید که در اندک مدتی بعد از تبریز اولین شهر ممالک ایلخانی گردید.

به غیر از افراد فوق کسانی چون سلطان ابوسعید بهادرخان که بعد از اولجایتو به سلطنت رسیده بود و خواجه رشیدالدین فضل الله بنا به دستور این فرد نیز محله رشیدیه که مشتمل بر هزار خانه بود ساخت و مسجدی بزرگ و مدرسه عالی دارالضیافه، خانقاه و دارالشفاء بدان اضافه کرد. باید اشاره نمود که در ساخت این شهر و یا محلاتی در آنجا شخصیت‌های دیگری نیز آثاری را به وجود آوردند و دست به عمران و سازندگی زدند که یکی از آنها وزیرمغولی نژاد ایلخانان بنام چلیپی اوغلو بود که مقبره وی در سلطانیه امروز پابرجا است. انتخاب استان زنجان به عنوان پایتخت (سلطانیه) و تحولات سیاسی آن که گذرا اشاره گردید، نشان از ساخت و ساز و گسترش بناها می‌باشد. از طرفی روی آوردن هنرمندان به این منطقه در هنر معماری تاثیر شگرفی گذاشت و بناها از نظر کمی و کیفی دگرگون شدند. در پلان، سازه بناها، گنبدسازی، تزئینات و غیره تحولاتی به وجود آمد.

از جمله بناهایی که نظیر آن را کمتری بینیم، معماری صخره ای است که حضور و وجود ارغون در منطقه باعث شکل‌گیری آن شده و ترکیب هنر اسلامی و هنر آسیای شرقی را در این بنا به معرض نمایش گذاشته‌اند. هرچند آثار به جا مانده از دوره ایلخانیان در استان زنجان محدود می‌باشد. اما وجود آنها نشان از عظمت، شکوه و جلال دوره خود دارد.

بناهای سلجوقی و ایلخانی از نظر از نظر کمی و کیفی در استان زنجان قابل تفکیک می‌باشند.

استثنائاً می‌توان بیان کرد، معماری و سبک ساخت و ساز قلاع است. این استان با توجه به همسایگی با استان قزوین و وجود مرکز اسماعیلیان (قلعه الموت) و حضور فرقه اسماعیلیه در اطراف خصوصاً در زنجان باعث ساخت قلاع در اطراف و اکناف می‌شود و این تاثیر و نفوذ اسماعیلیه در آذربایجان نیز مشاهده می‌شود و برای رهایی از دست سرکردگان سلجوقیان قلعه‌سازی رواج بیشتری به خود گرفت که در باز مانده‌های چند قلعه در آذربایجان با توجه به پلان آنها که شباهت به قلاع استان زنجان دارد ساخته شده است.

بناهای دیگر دوره سلجوقیان که در آذربایجان خصوصاً در مراغه پابرجا هستند، گویای این مطلب است که از نظر تکنیک ساخت و استفاده از مصالح و تزئینات به مراتب پیشرفته‌تر از بناهای سلجوقی استان زنجان هستند و بیان این نکته که تاثیر سنتهای معماری سلجوقیان استان زنجان بر آذربایجان باید با احتیاط مطرح شود.

با انتقال پایتخت از تبریز به سلطانیه دگرگونی و صعود هنر معماری ایلخانی را در این منطقه می‌بینیم هرچند ایلخانان مغول آثار ارزشمندی از خود در مراغه و تبریز به جا گذاشتند. آثاری چون رصدخانه مراغه، شنب غازان، ارگ علیشاه که پایه‌گذاری سبک نوین معماری (سبک آذری) شدند. اما اوج آن را در بناهای سلطانیه می‌بینیم، هرچند امروز از نظر کمی تعداد قابل توجهی بنا برجای نمانده ولی آنچه باقی مانده گویای عظمت و شکوه هنر معماری دوره اول سبک آذری است. دگرگونی در پلان، سازه‌ها، تزئینات (آجری، سنگی، گچبری، کاشیکاری) باعث شد، بنائی چون گنبد سلطانیه الگوئی برای ساخت بناها گردد. وجود سلاطین هنر دوست، وزیرانی چون فضل الله

در دوره ایلخانی چهار ایوانی در منطقه اجرا شده وجود ندارد.

بناهای پا برجای دوره سلجوقی در استان الهام گرفته از شیوه معماری پارتی و ساسانی است و پلان آنها برگرفته از آتشکده‌ای چهار تاقی می‌باشد. اما بناهای پا برجای دوره ایلخانی علاوه بر چهار ضلعی از پلان هشت ضلعی نیز استفاده شده است که نمونه آن گنبد سلطانیه و مقبره چلبی اوغلو می‌باشد. ارتفاع بناها در دوره سلجوقی کمتر از ارتفاع بناهای ایلخانی است. شاید علت آن به خاطر اهمیت بنا می‌باشد. بناهای سلجوقی دارای گنبد کوتاه و تک پوسته می‌باشند که در دوره ایلخانی بر عکس عمل گردیده گنبدها رفیع و دو پوسته ساخته شده‌اند. تزئینات بناهای دوره سلجوقی مصالح عمدتاً از آجر و گچ با نقوش هندسی و خط کوفی استفاده شده است. ولی در دوره ایلخانی علاوه بر آجر و گچ از انواع کاشیکاری نیز برای مزین کردن بنا به وفور بهره برده‌اند.

سبک و شیوه معماری سلجوقی و ایلخانی در بناهای به جا مانده در این استان مشخص می‌کند. سبک‌های آنها کاملاً با همدیگر قابل تفکیک و از نظر تعدد نیز متفاوت هستند.

سنتهای معماری سلجوقی و ایلخانی زنجان بخشی از گستره فرهنگ معماری شمالغرب ایران خصوصاً آذربایجان می‌باشد.

سلجوقیان با تمام امکانات و گستردگی فرهنگی که در کشور ایران داشتند باعث نوآوری در هنر معماری این دوره شدند. در استان زنجان با توجه به اهمیت جغرافیایی نتوانستند و یا نخواستند آثار قابل توجهی در این استان از خود به جا بگذارند و فقر معماری این دوره در منطقه مشهود است. لذا تاثیر سنتهای معماری سلجوقیان در خود استان زنجان و استان‌ها همجوار به خصوص آذربایجان به چشم نمی‌خورد. آنچه

موقعیت استراتژی، آب و هوای مناسب، وجود چمنزار و مرغزار سلطانیه، مرکزیت این منطقه نسبت به تبریز و مراغه، علاقه ارغون و سلطان محمد اولجایتو سبب گردید برای اولین بار این منطقه به عنوان مرکز حکومت انتخاب شود. هرچند تصمیم اولیه برای اینکار از طرف ارغون به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. اما توسعه و رونق شهر در زمان آن چندان چشمگیر نیست. از دوره ارغون تنها بنایی که باقی مانده است معبد ویر (داش کسن) است.

با مرگ ارغون و غازان سلطان محمد اولجایتو به حکومت می‌رسد. قریحه و ذوق هنری ایشان و وجود وزیران با تجربه که علاقه‌مند به هنر معماری و ایرانی بودند باعث می‌گردد شهر رونق گرفته و تبدیل به یک پایتخت شود. وجود وزیرانی همانند خواجه رشیدالدین و علیشاه نقش فوق‌العاده‌ای در این مهم داشته‌اند. افراد فوق‌نه تنها در اصول کشورداری بلکه در پرورش هنر ایران در دوره ایلخانان سهم عظیمی دارند. همین امر سبب می‌گردد اولجایتو سومین گنبد بزرگ جهان را برای آیندگان به یادگار بگذارد.

بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی که در استان زنجان خصوصاً در سلطانیه انجام گرفته موبد این نظر است که ساخت و ساز بنا در این منطقه در دوره ایلخانی صرفاً گنبد سلطانیه و یا مقبره چلبی اوغلی نمی‌باشد. اگر چنانچه در زمان تیموری بناها تخریب نمی‌گردید امروزه شاهد بناهای بسیار باشکوهی بودیم و آن را می‌توانستیم یک شهر و یک موزه معماری ایلخانی نام ببریم.

با پذیرش دین مبین اسلام از طرف ایرانیان ساختن کاخ برای حکمرانان به صورت راکد باقی می‌ماند و حکمرانان نیز سعی می‌کردند از تجملی زیستن پرهیز کنند. لذا در صدر اسلام به غیر از

همدانی و علیشاه در پیشرفت هنر ایرانی بی‌تاثیر نبودند. اما مهمتر از هر چیز انتخاب پایتختی سلطانیه بود که باعث سرازیر شدن هنرمندان به این منطقه شدند و تمامی عوامل فوق دست به دست هم دادند تا شاهکار هنری ایلخانی را در سلطانیه به جا بگذارند و در این دوره نه تنها سنتهای هنری بخش اعظم گستره فرهنگ معماری استان زنجان را فرا گرفت و باید گفت الگوئی شد برای دوره‌های بعد و استانهای مجاور خصوصاً آذربایجان.

نتیجه‌گیری

سلطنت با شکوه سلجوقیان باعث گردید، در ایالات مختلف ایران ساخت و ساز آغاز گردد استان زنجان نیز در دوره فوق اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. اما همانند دوره‌های قبل بناهایی که ساخته می‌شود بیشتر بناهای مذهبی است. اعتقاد شدید مردم و حکمرانان باعث گردید تلاش برای ساخت بناهایی چون مسجد و مقبره باشد. بررسی‌های انجام شده نشان داد به غیر از قلاع از نحوه معماری عادی چیزی به دست نیاید. این موضوع بیانگر این است که مصالح به کار برده شده بیشتر از خشت خام بوده که به مرور زمان تخریب گردیده است و تنها بناهایی که از نظر اعتقادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند به صورت سالم باقی بمانند. البته وجود بناهایی که در ابعاد کوچک و به صورت تدافعی ساخته بیانگر نفوذ فرقه اسماعیلیان در استان زنجان است. این موضوع گویای نا آرامی و درگیری سلجوقیان با طرفداران اسماعیلیه در استان زنجان است. از آغاز تا فرجام فرقه اسماعیلیان یعنی سال ۶۵۴ با حمله هلاکوخان به زنجان و پایان دادن به نفوذ و غائله‌ی اسماعیلیه در این منطقه بی‌ثباتی سیاسی حاکم بوده است.

- جلالی، نادره، ۱۳۸۲، سرگذشت سلجوقیان، تهران، موسسه فرهنگی اهل قلم.
- حاتم، غلامعلی، ۱۳۷۹، معماری سلجوقی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- خاکپور، اشا، ۱۳۵۲، هوجت، شماره ۱۲، انتشارات فرمانداری زنجان.
- رسولی، هوشنگ، ۱۳۸۴، تاریخچه و شیوه‌های معماری در ایران، تهران، پشتون.
- شکاری نیری، جواد، ۱۳۷۴، بررسی بناهای صخره‌ای آذربایجان و زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- مخلصی، محمد علی، ۱۳۶۴، جغرافیای تاریخی سلطانیه، تهران، جلالی.
- مومنی، همت، ۱۳۷۹، بناهای دوره میانی اسلام، تهران، انتشارات سبح.
- نجفی، ارض اله، ۱۳۷۶، بررسی و شناسایی آثار باستانی استان زنجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران.
- ویلبر، ۱۳۵۶، معماری اسلامی ایران دوره ایلخانی، ترجمه عبد الله فریار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- Blair . Sheila , 1922 , *The Monument from Early Islamic Iran and Sokiang*, E-J-Brill-Leiden.
- Hillenbrand.R,1972, *Saljuq Monuments in Iran: I*, Oriental Art.
- Weaver . M.E , 1970 , *Preliminary study on Conservation Problem of five Iranian Monuments*, Unesco, Paris.

امویان و عباسیان که در خارج از مرزهای کنونی به ساختن و ایجاد کاخ‌ها اقدام کردند. با انتقال پایتخت به سلطانیه و حکومت سلطان محمد اولجایتو و سلطان ابوسعید در این شهر بنای سلطنتی و کاخ شناسائی نگردیده است. این موضوع نشان از ساده زندگی کردن فرمانروایان ایلخانی و تاثیر دین اسلام بوده است. بناهای دوره ایلخانی از نظر تزئینات در سطح فوق‌العاده بالائی قرار دارند ولی بناهای دوره سلجوقی منطقه ساده‌تر و بی‌پیرایه ساخته شده‌اند و بناهای دوره سلجوقی در مقایسه با بناهای ایلخانی منطقه از ارزش هنری کمتری برخوردار است. اما پایه و اساس بناهای دوره ایلخانی می‌باشد.

یادداشت‌ها

- 1- wearer
- 2- Brand
- 3- Blair

منابع :

- امینی، احمد، ۱۳۷۲، معماری اسلامی، تهران، یساولی.
- پیروسن، ۱۳۵۷، تاثیر معماری گنبد سلطانیه ایران در ساختمان ساتاماریا دلفیوره ایتالیا، ترجمه دکتر کسای، تهران، انتشارات سازمان ملی حفظ و آثار باستانی.
- ثبوتی، هوشنگ، ۱۳۶۵، تاریخ زنجان، زنجان، توانا.
- ثبوتی، هوشنگ، ۱۳۶۹، بررسی آثار تاریخی سلطانیه زنجان، ستاره.